

پشت دیوار سوءظن

شی جین پینگ اخیرا به مقامات چینی هشدار داده است برای «ستاره‌بوی افراطی» آماده باشند

وطن امروز

جهان تغییر می کند



تیتراهای امروز

وزیر راه و شهرسازی برای پیگیری کردیدور شمال - جنوب و شرکت در مجمع اقتصادی سن پترزبورگ به روسیه سفر کرد

ایران راه

بذریاش؛ کشورهای منطقه می توانند با استفاده از راهها و ظرفیت‌های ایران، بخش عمده‌ای از مسائل ترانزیتی خود را حل کنند



صفحه ۲

دومین آیین نکوداشت چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی کشور برگزار شد

میراث مفاخر

صفحه ۴

همه آنچه باید درباره اعطای مجوز به ۶ تیم لیگ برتر برای حضور در آسیا بدانید

خان آخر مانده

صفحه ۶

بارش‌های سیل آسا در شهرستان گرمی راه ارتباطی ۳۰ روستا را مسدود کرد و ۵ نفر جان باختند

سیل مهیب

در اردبیل

دستور رئیس‌جمهور برای ادامه تلاش دستگاه‌های خدمات‌رسان در مناطق سیل‌زده بر آورد خسارت‌ها و تخصیص اعتبارات لازم

صفحه ۴

یادداشت

پارلمان اروپا حالا بیانه بدهد!

حنیف غفاری: این روزها سران اتحادیه اروپایی

اخیرا نگران‌کننده‌های درباره ورود حوزه یورو به رکود اقتصادی می‌شنوند! گویا نسخه‌های ترکیبی (تلفیقی) از رشد سرمایه‌گذاری و اعمال ریاضت اقتصادی نیز نتوانسته حوزه یورو را از بحران مالی و اعتباری جدید نجات دهد. بسیاری از تحلیلگران مسائل اقتصادی و امنیتی اروپا معتقدند بزودی شاهد شکل‌گیری بحران‌های فراگیری در قاره سبز خواهیم بود که گذار از آنها سخت‌تر از حد تصور است. منطقه یورو در ۳ ماه زمستان سال ۲۰۲۳ وارد وضعیت رکود اقتصادی شد و فصل بهار دومین ۳ ماه متوالی است که در آن فصل ناخالص داخلی این منطقه به صورت سالانه ۰.۱ درصد کاهش یافته است. بنابراین نهادهای اقتصادی اروپا رسماً از تثبیت رکود اقتصادی در این مجموعه سخن می‌گویند. صورت مساله مشخص است! اقتصاد حوزه یورو، پس از افزایش در ۲۰۲۲ وارد وضعیت رکود شده و عوامل فرامتنی از جمله استمرار جنگ اوکراین یا وقوع بحران بانکی در آمریکا (با توجه به تأثیرپذیری بازارهای اروپا از آمریکا) این روند را به ضرر منافع غرب غیرقابل پیش‌بینی‌تر می‌سازد. در این میان، ۲ نکته اساسی وجود دارد که نمی‌توان آنها را تحت تأثیر سانسور یا تحریف رسانه‌های وابسته به جریانات قدرت در اتحادیه اروپایی و حوزه یورو نادیده انگاشت. نخست: هرچه حوزه یورو به مرحله رکود اقتصادی برخلاف پیش‌بینی‌های اعلامی نهادهای رسمی اتحادیه اروپایی است، اگر چه برخی تحلیلگران و حتی نمایندگان پارلمان اروپا هشدارهایی درباره ورود به رکود اقتصادی طی ماه‌های گذشته مخابره کرده بودند اما برآورد بانک مرکزی اروپا و بسیاری از دولت‌های حوزه یورو، چنین چیزی نبوده است! شاخصه‌های رشد اقتصادی منطقه یورو برای ۲ فصل متوالی بر خلاف برآورد اولیه کاهش یافته و این مساله به خودی خود ناقض ادعای همیشگی اروپاییان مبنی بر تدوین نسخه‌های واقع‌بینانه و عملیاتی در مواجهه با پیش‌گیری نسبت به تورم یا رکود جمعی است. سیاست بانک مرکزی اروپا در افزایش نرخ بهره بانکی، نه تنها منجر به مهار تورم در کشورهای گوناگون نشده، بلکه به تثبیت رکود اقتصادی نیز انجامیده است! به عبارت دقیق‌تر، در اینجا ما با تلفیقی نامنوازان از تورم و رکود اقتصادی مواجهیم که شکل هندسی آن حتی روی کاغذهای منقش به سرب‌برگ بانک مرکزی اروپا نیز قابل ترسیم نیست! افزایش هزینه‌های نیروی کار و احتمال افزایش دستمزدها بر اثر اعتصابات گسترده در کشورهای گوناگون قاره اروپا، قدرت‌ماتور نهادهای اعتباری این مجموعه را بیش از هر زمان دیگری محدود ساخته است!

ترجمه

راشل مردسن*

نظرسنجی جدید، شهروندان اتحادیه اروپایی خواهان استقلال بیشتری از آمریکا هستند. علاقه آنها به بی‌طرفی بیشتر در قبال چین به آنها کمک خواهد کرد اما موضع اتحادیه در قبال روسیه مطمئناً این کار را نخواهد کرد. در نظرسنجی انجام شده توسط اندیشکده روابط خارجی شورای اروپا، کمتر از نیمی از ۱۶۱۶۸ شهروند مورد پرسش قرار گرفته از ۱۱ کشور عضو اتحادیه اروپایی، روابط امنیتی با واشنگتن را مفید می‌دانند و اکثریت قریب به اتفاق شان، ایالات‌متحده را متحد یا شریک راهبردی برمی‌شمارند. با این حال بر اساس نظرسنجی مزبور، ۷۴ درصد آنها - در مقایسه با ۶۶ درصد نوامبر ۲۰۲۰ - گفته‌اند اتحادیه اروپایی صرفاً نمی‌تواند به آمریکا تکیه کند و به توانایی‌های دفاعی خاص خود نیاز دارد. اساساً مثل این است که اتحادیه اروپایی یک دانشجوی کالج است که می‌داند وقت آن است که بزرگ شود و از زیرزمین خانه عمو سام بیرون بیاید حتی اگر زندگی در زیر سقف او راحت و آسان بوده باشد. در این مورد، آن سقف همان چتر هسته‌ای آمریکاست.

روپای غربی مزایای امنیت را دوست دارد اما آزادی خود را نیز طلب می‌کند، درست مانند هر نوجوانی در تاریخ بشریت. با این حال در نهایت، آنها متوجه می‌شوند اگر استقلال می‌خواهند، باید مقداری پول به ته جیب‌شان باشد. به عبارت دیگر، شما باید به اندازه کافی پول نقد از منابعی متنوع دریافت کنید تا در صورت نفوذ استقلال‌تان، قید آن منبع را برنیزید. در این مرحله، اتحادیه اروپایی نمی‌تواند به عمو سام نه بگوید. وابستگی این مجموعه به آمریکا در پی قطع روابط اقتصادی و انرژی با روسیه تازه افزایش هم یافته

دیدگاه

اسدالله رمضان‌زاده: خبرگزاری رویترز در یکی از تازه‌ترین گزارش‌های خود، از پیش‌بینی افول قدرت دلار آمریکا خبر داد و اعلام کرد: سهم دلار در ذخایر ارزی با رکود روبه‌رو شده و میزان استفاده از آن در صادرات نیز رو به افول است. استراتژیست‌های یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های خدمات مالی و بانکداری آمریکایی به نام «جی‌بی مورگان» هشدار دادند نشانه‌هایی از روند ظهور دلارزدایی و افول عصر دلار در اقتصاد جهانی در حال ظهور است.

در این گزارش، به تاثیر سیاست‌گذاری‌های راهبردی آمریکا بر افول جایگاه دلار در مبادلات دوجانبه و چندجانبه در جهان اشاره شده است. برای مثال، تأثیرات اقتصادی ناشی از افزایش شدید نرخ بهره در آمریکا و استفاده از اهرم تحریم علیه روسیه که باعث خروج این کشور از سیستم بانکی جهانی شده، سبب

است. اتحادیه اروپایی متوجه شده وقتی مجبور است برای قیمت ارزان‌تر گاز طبیعی مایع آمریکایی که به عنوان جایگزینی برای منبع سابق و بسیار ارزان‌تر روس به آن وابسته شده التماس کند، چقدر اهرم فشار کمی در مقابل واشنگتن دارد. بعد تازه وقتی که دولت بایدن با حذف صنعت سبز اروپا از بازار ایالات‌متحده بنا بر قانون حمایت‌گرایانه کاهش تورم، آزار جسمی را هم چاشنی توهین‌های قبلی به اروپایی‌ها کرد، بروکسل بار دیگر مزه سوء‌نیت واشنگتن را چشید. با کمال تأسف برای اروپا باید به این واقعیت اشاره کرد که واشنگتن در زمینه اقتصادی کاملاً عملگر است. به نظر می‌رسد شهروندان اتحادیه اروپایی نیز از رهبران خود می‌خواهند همین‌طور باشند و البته این رهبران با استعمال مقداری گاز شجاعت و تنظیم جی‌بی‌اس خود به سمت پکن وارد این مسیر هم شده‌اند که نمود آن می‌تواند امتناع از مشارکت در شکار ماجراجویانه دولت بایدن به قصد براندازی حکومت‌های مخالف واشنگتن باشد.

نظرسنجی اندیشکده روابط خارجی شورای اروپا نشان می‌دهد ۶۲ درصد اهالی اتحادیه اروپایی می‌خواهند این بلوک در هر گونه درگیری بین آمریکا و چین بی‌طرف بماند؛ موضعی نزدیک به امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه. وی آوریل گذشته که تازه از پکن بازگشته بود در انتقاد از جنگ‌طلبان ضد چینی آمریکایی و اروپایی گفته بود: «سوالی که اروپایی‌ها باید به آن پاسخ دهند... آیا به نفع ما است که در تشدید تنش تابوان تسریع کنیم؟ نه! بدترین چیز این است که فکر کنیم ما اروپایی‌ها باید پیرو این موضوع شویم و از دستور کار ایالات‌متحده یا واکنش افراطی چین تبعیت کنیم.»

مکرون این را دریافته که اگر نتوانید روی پای

خود بایستید، نمی‌توانید مواضع مستقل نظامی و سیاست خارجی خود را داشته باشید. او اتفاقاً پس از سفر به چین در ماه آوریل که طی آن معاملات تجاری بزرگی برای فرانسه به ارمان آورد، به این موضوع پی برد. در زمانی که این کشور از تورم بالا و سوخت گران رنج می‌برد و به شدت به این ارتباط چینی نیاز داشت. بنابراین مکرون ناگهان شروع به صحبت درباره نیاز به «خود مختاری راهبردی» در برابر آمریکا کرد. شگفت‌آور است که چگونه برخی معاملات تجاری بزرگ، از جمله فروش ۱۶۰ جت تجاری جدید ایرباس توسط فرانسه و ۲ برابر شدن تولید ایرباس در چین - که نشان‌دهنده یک پیروزی بزرگ در برابر رقیب آمریکایی این شرکت اروپایی یعنی بوئینگ است - توانست مکرون را ایقنقر جسور کند. برای استقلال از واشنگتن واقعا شگفت‌انگیز است که پول کلان چه کارها که نمی‌کند. درست مثل یک بچه دانشگاهی که شغلی پیدا می‌کند و از خانه بیرون می‌رود و شروع به پول در آوردن می‌کند و حالا ناگهان جرات می‌یابد افکار و خواسته‌های واقعی‌اش را جلوی «امان» و «بابا» رو کند. البته ظاهراً مکرون بیشتر به دنبال استقلالی است که فقط با پول‌های کلان می‌توان آن را خرید.

جهان‌بینی او درباره نیاز به استقلال از آمریکا و بی‌طرفی بیشتر درباره چین - همان موضعی که توسط خود شهروندان اتحادیه اروپایی در نظرسنجی جدید منعکس شده - با مواضع دیگر رهبران افاضه‌گر این بلوک که به طور معمول ایدئولوژی را بر عمل‌گرایی ترجیح می‌دهند، در تضاد است. اورزولا فسون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، مفهوم «ریسک‌زدایی» از چین را که توسط وزارت خارجه آمریکا مطرح شده، مد نظر قرار داده که به

نظر می‌رسد واژه کلیدی جدیدی به عنوان جایگزین «شفاق» باشد حتی اگر با توجه به روابط اقتصادی درم تنیده چین با غرب، چنین امری امکان‌پذیر نباشد. بنابراین خانم وزیر دفاع پیشین آلمان که سئوگلی واشنگتن برای تبدیل به نخستین رئیس مونت ناو هم هست، به جای اینکه از فرصت استفاده کند تا حرف لغوی از دهانش خارج نشود، فعلاً کارش این است که به این طرف و آن طرف برود و نیاز به «ریسک‌زدایی» از چین را ترویج کند. آنالنا بروک، وزیر خارجه آلمان هم مانند جوزپ بورل، دیپلمات ارشد اتحادیه اروپایی، این تمایل را بازتاب داده که هر دوی آنها چین را «شریک، رقیب و دشمن ساختاری» بنامند که البته بروک اضافه کرده جنبه رقابت چین در حال افزایش است. در واقع، این بدان معناست که اتحادیه اروپایی علناً مفهوم «ریسک‌زدایی» را ترویج می‌کند، بدون آنکه «شفاق» را انجام دهد و در حالی که بی‌سر و صدا به تجارت معمول خود با چین ادامه می‌دهد و فقط امیدوار است چین بیش از حد مورد توهین سیاسی آنها قرار نگیرد. در غیر این صورت اتحادیه به‌چاره نخواهد داشت جز اینکه به همان ادعایی که کرده پایبند باشد و چوب لای چرخ چین در اروپا بگذارد که با این کار عملاً چوب لای چرخ اقتصاد در حال رکود خود هم خواهد گذاشت. اگر مسیر اقدام اتحادیه اروپایی تنها با این نوع موضع‌گیری‌ها تعیین می‌شد، مقامات بروکسل تمام وقت خود را صرف سخنرانی عمومی می‌کردند و با هیچ کس تجارت نمی‌کردند. مانند نوجوانی که هرگز خانه مادری و پدری را ترک نمی‌کند زیرا هیچ شغل یا هم‌اتاقی‌ای را به اندازه کافی برای خود خوب نمی‌بیند. اتحادیه اروپایی مرتب عقیگرد اقتصادی شد زمانی که به دنبال‌روی از رهبری واشنگتن روی باند

روانشناسی سیاسی نوجوانی که مطمئن نیست از زیر چتر امن مادر و پدر بیرون بیاید

آیا اتحادیه اروپایی جنم استقلال از عمو سام را دارد؟

ضد روسیه پرید- در حالی که این کار هزینه بسیار بالاتری نسبت به آمریکا برای اروپایی‌ها داشت - و در نهایت به سود بزرگ آمریکا از افزایش وابستگی اقتصادی اتحادیه اروپایی منجر شد. اکثریت (۶۴ درصد، ۲ برابر سال ۲۰۲۱) اروپایی‌های شرکت‌کننده در این نظرسنجی، در بحبوحه مناقشه اوکراین که بی‌وقفه با روایت‌های ضدروسی اتحادیه مبدار می‌شوند، روسیه را رقیب یا دشمن خود برمی‌شمارند آن هم در حالی که مسکو چین ادامه می‌دهد و فقط امیدوار است چین بیش از حد مورد توهین سیاسی آنها قرار نگیرد. در غیر این صورت اتحادیه به‌چاره نخواهد داشت جز اینکه به همان ادعایی که کرده پایبند باشد و چوب لای چرخ چین در اروپا بگذارد که با این کار عملاً چوب لای چرخ اقتصاد در حال رکود خود هم خواهد گذاشت. اگر مسیر اقدام اتحادیه اروپایی تنها با این نوع موضع‌گیری‌ها تعیین می‌شد، مقامات بروکسل تمام وقت خود را صرف سخنرانی عمومی می‌کردند و با هیچ کس تجارت نمی‌کردند. مانند نوجوانی که هرگز خانه مادری و پدری را ترک نمی‌کند زیرا هیچ شغل یا هم‌اتاقی‌ای را به اندازه کافی برای خود خوب نمی‌بیند. اتحادیه اروپایی مرتب عقیگرد اقتصادی شد زمانی که به دنبال‌روی از رهبری واشنگتن روی باند

عنوان تهدیدی برای اروپا معرفی کنند؟ اروپا باید راهی پیدا کند تا تعادلی بین تمایل به سخنرانی درباره ارزش‌هایی که حتی خودش به طور معمول آنها را نقض می‌کند از یک طرف و تنوع بخشیدن به همکاری‌های خود از سوی دیگر برای کمک به ارتقای هر چه بیشتر استقلالش برقرار کند. در همین حال، اروپای غربی‌ها باید مسیر خود را انتخاب کنند و تصمیم بگیرند آیا واقعا خواهان نوعی خودمختاری هستند که فقط با پول می‌توان آن را خرید یا حاضرند هر بار که رهبران شان به آنها دستور می‌دهند این کار را برای اهداف ایدئولوژیک انجام دهند، منافع خود را قربانی کنند؟

* تحلیلگر محافظه‌کار کانادایی

رگ گردن مرکزتالیست‌های نوگرا و نولیبرال‌های وطنی بیش از هر زمان دیگری بام می‌کند! آنها دست به هر ریسمانی می‌زنند تا اثبات کنند دلار بهترین بوده و فراتر از آن، باید بهترین باقی بماند! آنها حتی فراموش کرده‌اند ایجاد ساختار شبه‌سوسیالیست توسط روسیه یا تبدیل بخشی از ذخایر ارزی این کشور از دلار به طلا طی سال‌های اخیر، چگونه این کشور را در برابر ۱۰ هزار تحریم اعمال‌شده علیه مسکو (در جریان جنگ اوکراین) مقاوم ساخته است! کسی در رسانه‌های اصلاح‌طلب و روشنفکرانما، حق مرثیه‌خوانی برای دلار آمریکا را ندارد و بالعکس، این اتحادها و ائتلاف‌های چندجانبه علیه دلار هستند که باید به عنوانس و بهانه‌های مختلف مورد تحقیر قرار گرفته یا متمم به ناکارآمدی شوند! این همان خلط توهم و واقعیت است که جریانات غرب‌گرا تخصص عجیبی در متمم ساختن دیگران نسبت به آن دارند.

مرثیه‌سرایی جریان فتنه برای دلار!

به داشتن تفکرات کمونیستی و عقب‌مانده بودهایم! توجه‌پردازان این جریان پرادها نیز در نوع خود قابل تامل است. آنها می‌گویند دلار آمریکا دومین ارز پر استفاده برای معاملات داخلی است. دلار پس از واحد پول هر کشور، پرکاربردترین ابزار مبادله در سراسر جهان است. ضمناً همه کالاها از جمله نفت و طلا به دلار معامله می‌شوند. حتی ارزهای دیجیتال تقریباً منحصراً با دلار آمریکا ارزش‌گذاری می‌شوند. حتی در اینجا، پای برخی آمار و ارقام نیز به میان می‌آید، از جمله اینکه صندوق بین‌المللی پول تخمین می‌زند ۶۰ درصد ذخایر بانک مرکزی جهانی به دلار است. زمانی که تمام این استدلال‌ها را کنار یکدیگر می‌گذاریم، به نتیجه‌ای مشخص دست می‌یابیم: اتفاقاً دلار آمریکا ارزش ذاتی در مبادلات جهانی ندارد و کل ارزش اعتباری آن، جنبه اکتسابی و قراردادی دارد. به عبارت بهتر، نظام بین‌المللی ذاتاً محکوم نیست

شکل‌گیری بانک کشورهای حوزه بریکس متشکل از برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی شده است. در اینجا قصد نداریم از ده‌ها دلیل و گزاره اثباتی درباره افول قدرت دلار و تسریع این روند با توجه به واقعیات جهانی سخن بگوییم، آنچه قصد داریم بر آن تمرکز کنیم، علقه و تعلق خاطر ذاتی جریان خاص حامی فتنه و غرب‌گرای داخلی کشورمان نسبت به واحد پول آمریکاست! طی ماه‌های اخیر، زمانی که موضوع افول جهانی دلار از سوی منابع گوناگون داخلی و جهانی مطرح شد، جریان غرب‌گرای موسوم به اصلاحات به عناوین گوناگون، چنین گزاره‌ای را در حد یک توهم یا تصور مورد ارزیابی قرار داده و آن را نمادی از خیالبافی در عرصه اقتصاد جهانی تلقی کرد!

در محافل ظاهراً روشنفکری داخلی هر جا سخن از روند دلارزدایی در جهان می‌آید، شاهد گاردگیری جریانات نولیبرالیستی و حتی متمم ساختن گوینده